



# مطالعه تطبیقی قانون آیین دادرسی کیفری

(مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴)

به همراه مواد مربوطه از قانون سابق و آرای وحدت رویه

تدوین :

میثم اکبری

ناظر:

دکتر سید حسین هاشمی

(استاد دانشگاه و عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم)

سرشناسه : اکبری میثم - ۱۳۶۶  
عنوان و نام بدید آورنده : مطالعه تطبیقی قانون آیین دادرسی کیفری - میثم اکبری - دکترسید حسین هاشمی.  
مشخصات نشر : مازندران (بابل) - نشر حمورابی ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۴۴۲ ص

فروست : سری کتابهای آموزشی تطبیقی

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : آیین دادرسی کیفری ایران - راهنمای آموزشی(عالی)

موضوع : آیین دادرسی کیفری ایران - آزمون ها و تمرین ها(عالی)

رده بندی کنگره : ۷۱۳۹۳ ک ۸ م / ۴۸۳۰ KMH

رده بندی دیویی : ۳۴۶/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : ۷۷۷۷۷۷

نام کتاب : ..... مطالعه تطبیقی قانون آیین دادرسی کیفری

تدوین: ..... میثم اکبری

ناظر: ..... دکترسید حسین هاشمی

ناشر: ..... حمورابی

تیراژ: ..... ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : ..... اول - تابستان ۱۳۹۳

قطع : ..... جیبی

لینتوگرافی و چاپ : ..... ایران مصور

قیمت : ..... ۱۲۰۰۰۰ ریال

شابک : ..... ۵۶۷-۵۰۰-۴۵۶۵-۴۲-۷

آدرس مرکز پخش: مازندران- بابل- حد فاصل میدان کارگر و سبزه میدان، جنب اداره پست مرکزی،  
طبقه فوقانی موسسه مالی اعتباری عسگریه انتشارات حمورابی . تلفن تماس : ۰۱۱-۳۲۲۰۹۵۱۷



برای تهیه این کتاب می توانید

عدد ۷ را به سامانه پیامکی ۰۴۶۶۶۰۰۲۶۶۶۰۰۳۰۰ ارسال کنید

یا به وب سایت حق و حقوق [www.HoghogH.Net](http://www.HoghogH.Net) مراجعه کنید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب برای انتشارات حمورابی محفوظ است و هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را بدون موافقت کتبی ناشر به هر صورت اعم از فتوکپی، پلی کپی ، جزوه و ... شرعاً و قانوناً ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین مصوب مجلس محترم شورای اسلامی تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

تقدیم خالصانه به :

پیشگاه آستان مقدس کریمه ی اهل بیت

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

و برادر رؤفش حضرت امام رضا علیه السلام

و شهیدای گمنام عزیز

و تقدیم صمیمانه به :

استاد راهنمای عزیزم دکتر سیدحسین هاشمی

و

استاد مشاور فرزانه و فرهیخته ام دکتر

عبدالعلی توجهی

و تقدیم به پدر و مادر دلسوز و فداکارم که

زندگیم متأثر از وجود آنهاست.

## فهرست موضوعی قانون آیین دادرسی کیفری

صفحه	شماره مواد	عنوان
۷	---	مقدمه مؤلف
۹	---	بررسی اجمالی قانون آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن
۲۶	۲۱-۱	<b>بخش اول: کلیات</b>
۲۶	۷-۱	فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن
۲۹	۲۱-۸	فصل دوم: دعوای عمومی و دعوای خصوصی
۴۱	۲۹۳-۲۲	<b>بخش دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی</b>
۴۱	۲۷-۲۲	فصل اول: دادسرا و حدود صلاحیت آن
۴۴	۶۳-۲۸	فصل دوم: ضابطان دادگستری و تکالیف آنان
۶۶	۸۸-۸۴	فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان
۸۸	۱۶۶-۸۹	فصل چهارم: وظایف و اختیارات بازپرس
۸۸	۱۱۵-۸۹	مبحث اول: اختیارات بازپرس و حدود آن
۱۰۴	۱۶۶-۱۲۲	مبحث دوم: صلاحیت بازپرس
۱۱۱	۱۶۷-۱۲۳	فصل پنجم: معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی
۱۴۰	۲۱۶-۱۶۸	فصل ششم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان
۱۴۰	۲۰۳-۱۶۸	مبحث اول: احضار، جلب و تحقیق از متهم
۱۶۵	۲۱۶-۲۰۴	مبحث دوم: احضار و تحقیق از شهود و مطلعان
۱۷۴	۲۶۱-۲۱۷	فصل هفتم: قرارهای تأمین و نظارت قضایی
۲۱۱	۲۸۴-۲۶۲	فصل هشتم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات
۲۲۵	۲۸۷-۲۸۵	فصل نهم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان
۲۲۹	۲۹۳-۲۸۸	فصل دهم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور

صفحه	شماره مواد	عنوان
۲۳۳	۴۲۵-۲۹۴	بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی
۲۳۳	۳۱۷-۲۹۴	فصل اول: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری
۲۵۷	۳۳۴-۳۱۸	فصل دوم: رسیدگی به ادله اثبات
۲۶۵	۳۸۱-۳۳۵	فصل سوم: رسیدگی در دادگاه‌های کیفری
۲۶۵	۳۵۷-۳۳۵	مبحث اول: کیفیت شروع به رسیدگی
۲۸۲	۳۷۳-۳۵۸	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۲۹۲	۳۸۱-۳۷۴	مبحث سوم: صدور رأی
۲۹۸	۴۰۵-۳۸۲	فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک
۲۹۸	۳۹۴-۳۸۲	مبحث اول: مقدمات رسیدگی
۳۰۵	۴۰۲-۳۹۵	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۳۰۸	۴۰۵-۴۰۳	مبحث سوم: صدور رأی
۳۱۰	۴۰۷-۴۰۶	فصل پنجم: رأی غیابی و واخواهی
۳۱۴	۴۲۶-۴۰۸	فصل ششم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۳۱۴	۴۱۱-۴۰۸	مبحث اول: تشکیلات
۳۱۵	۴۱۷-۴۱۲	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۳۱۹	۴۲۰-۴۱۸	فصل هفتم: احاله
۳۲۲	۴۲۵-۴۲۱	فصل هشتم: رد دادرسی
۳۲۹	۴۸۳-۴۲۶	بخش چهارم: اعتراض به آراء
۳۲۹	۴۴۷-۴۲۶	فصل اول: کلیات
۳۴۸	۴۶۱-۴۴۸	فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۳۶۱	۴۷۳-۴۶۲	فصل سوم: کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور
۳۷۴	۴۸۳-۴۷۴	فصل چهارم: اعاده دادرسی
۳۸۶	۵۵۸-۴۸۴	بخش پنجم: اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی

صفحه	شماره مواد	عنوان
۳۸۶	۵۱۲-۴۸۴	فصل اول: کلیات
۴۰۵	۵۲۸-۵۱۳	فصل دوم: اجرای مجازات حبس
۴۱۶	۵۴۰-۵۲۹	فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی
۴۲۳	۵۵۰-۵۴۱	فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری
۴۲۸	۵۵۸-۵۵۱	فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی
۴۳۳	۵۶۵-۵۵۹	بخش ششم: هزینه دادرسی
۴۳۹	۵۷۰-۵۶۶	بخش هفتم: سایر مقررات

## مقدمه مؤلف

بنام خداوند آموزگار نگارنده‌ی نامه‌ی روزگار

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که در دلها به عظمت آشکار شده است و از دیده‌ها به عزت پنهان گردیده و به سبب قدرتش بر همه چیز توانایی دارد. پس نه دیده‌ها بر دیدن او پابرجایند و نه اوهام به گنه بزرگواری او پی‌می‌برند.<sup>۱</sup>

پس از مدتها انتظار قانون جدید آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. این قانون که از دیدگاه حقوقدانان محترم با نوآوریهای زیادی همراه است، یکی از بهترین قوانینی است که تا بحال در عرصه قوانین شکلی کشور که نماد احیای حقوق فردی و شهروندی افراد جامعه است، تصویب شده است. هرچند نقاط ضعف‌هایی در این قانون وجود دارد که باید اصلاح گردد چه اینکه تصویب ماده ۵۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری و اجرای آزمایشی سه ساله آن در راستای اصلاح نقاط ضعف و ایجاد زمینه‌های لازم الاجرا شدن قانون فوق الذکر در محاکم قضایی کشور است.

در این کتاب سعی نمودم که ذیل هر یک از قوانین جدید، قوانین سابق را نیز به آن اضافه کنم چه اینکه این امر موجب می‌شود حقوقدانان عزیز با مطالعه‌ی مواد جدید، تصویری از مواد قانون سابق

---

۱ . «صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام»

هم در ذهن داشته باشند تا با یک روش مقایسه‌ای در روند یادگیری و تسلط روی قانون لاحق مسیر آسانی را طی نمایند.

اثر حاضر به جهت نوپا بودن قانون جدید، خالی از اشکال و ایراد نمی‌باشد. لذا امیدوارم مخاطبین نکته سنج و گرامی از آن نهایت استفاده را برده و جهت تقویت کتاب پیش رو پیشنهادات و انتقادات خود را نسبت به آن از طریق آدرس الکترونیکی [info@Hoghogh.net](mailto:info@Hoghogh.net) یا وب سایت [Hoghogh.net](http://Hoghogh.net) و سامانه پیامکی ۰۰ ۴۶۶۶ ۲۶۶۶ ۳۰۰۰ به اطلاع اینجانب برسانند.

در خاتمه لازم است از همکاری بی شائبه ی دوست عزیزم استاد علی قوچانیان در تسهیل انتشار این کتاب نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشم. همچنین زحمات والدین عزیزم قابل انکار نبوده و همیشه بر خود فرض می‌دانم تا بردستان پر مهرشان بوسه ارادت بزنم.

**والعاقبه للمتقين**

**میثم اکبری**

**تابستان ۱۳۹۳**



## بررسی اجمالی قانون آیین دادرسی کیفری؛ تغییرات و نوآوری‌های آن

قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ چه در ظاهر و چه در محتوا، قانون کامل‌تری به نظر می‌رسد، چرا که قانونگذار در قانون مزبور مواد قانونی را از ۳۰۸ ماده به ۵۷۰ ماده افزایش داده است و همچنین بسیاری از مواردی که در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ مسکوت مانده بود، مورد نظر قرار داده و بسیاری از مباحث قبلی را نیز با شرح و توضیح بیشتری بیان نموده است که توضیح همه این موارد در این مجال میسر نیست و لذا ذیلاً به توضیح مهمترین تغییرات قانون جدید نسبت به قانون قدیم می‌پردازیم:

۱- قانونگذار در ماده ۱ قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ به تعریف آ.د.ک به عنوان قانونی که «فرآیند دادرسی از مرحله کشف جرم تا اجرای مجازات» را در بر می‌گیرد پرداخته است، در حالی که در قانون جدید به مواردی از قبیل میانجیگری، صلح میان طرفین، رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه نیز اشاره شده که در موارد بعدی این قانون قانونگذار به توضیح هر یک از آنها پرداخته است.

۲- قانونگذار در ماده ۱۳ قانون جدید «توبه» متهم را نیز به عنوان یکی از علل سقوط دعوای کیفری و از موجبات صدور قرار موقوفی

تعقیب پیش بینی کرده است، در حالی که در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ به چنین امری اشاره نشده بود.

۳- قانونگذار در ماده ۱۴ قانون جدید دریافت خسارت معنوی را تحت شرایطی پذیرفته است و بیان می‌دارد پرداخت خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که دیه پرداخت می‌گردد، نمی‌شود.

۴- قانونگذار در ماده ۱۶ قانون جدید تکلیف مواردی را که پرونده مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم، به طور همزمان در مرجع حقوقی و هم در مرجع کیفری مطرح شده را روشن می‌کند و بیان می‌دارد هرگاه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوی مذکور در دادگاه کیفری قابل طرح نیست مگر آنکه مدعی خصوصی متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند دعوی خود را از دادگاه حقوقی مسترد بدارد و در دادگاه کیفری مطرح نماید و همچنین در مواردی که پرونده ضرر و زیان قبلاً در مرجع کیفری مطرح شده اما رسیدگی به آن با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوا به دادگاه حقوقی مراجعه کند. لازم به توضیح است قانونگذار در ماده ۱۰ قانون جدید به درستی میان

واژه «مدعی خصوصی» و «شاکی خصوصی» تفاوت قائل شده است، در حالی که قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ این دو را در یک معنا بکار برده بود و این امر صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که شاکی هرگاه مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را بنماید، مدعی خصوصی نامیده می‌شود.

۵- قانونگذار در قانون جدید در صدور قرار اناطه توسط بازپرس، موافقت دادستان را ضروری می‌داند و بیان می‌کند بازپرس باید ظرف سه روز قرار صادره را به نظر دادستان برساند و در صورت مخالفت دادستان حل اختلاف با دادگاهی است که به اصل جرم رسیدگی می‌کند. از دیگر تغییرات قانون جدید تغییر مرجع صالح در مورد اعتراض به قرارهای صادره از جانب بازپرس یا حل اختلاف میان بازپرس و دادستان است. مطابق قوانین آ.د.ک ۱۳۷۸ و ق.ت.د.ع.ا ۱۳۸۱ مرجع حل اختلاف میان بازپرس و دادستان و مرجع اعتراض به قرارهای قابل اعتراض صادره از جانب بازپرس، دادگاه عمومی و انقلاب محل است. لیکن با توجه به ماده ۲۷۱ قانون جدید مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و اعتراض به قرارهای قابل اعتراض صادره از سوی بازپرس دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد.

۶- قانونگذار در ماده ۲۵ قانون جدید تشکیل دادرسی‌های تخصصی را زیر نظر دادرسی شهرستان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه تصریح نموده است که از این موارد می‌توان به دادرسی جرائم کارکنان دولت، اطفال و نوجوانان، جرائم امنیتی، رایانه‌ای، امور پزشکی و ... اشاره نمود.

۷- بند ۱ ماده ۱۵ قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ کلیه مأمورین نیروی انتظامی را جزء ضابطین دادگستری «ضابطین عام» قرار داده است، لیکن در قانون جدید با تفکیکی صحیح تنها فرماندهان، افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی جزء ضابطین عام محسوب می‌شوند. «قانونگذار همچنین در قانون جدید به درستی حدود وظایف و اختیارات ضابطین را به تفصیل مورد بررسی قرار داده و ۳۵ ماده از مواد قانون را به این امر اختصاص داده است.»

۸- ماده ۶۴ قانون جدید جهات قانونی شروع به تعقیب توسط دادستان را افزایش داده است، در آخرین بند ماده مذکور بیان می‌کند دادستان «به هر نحو قانونی دیگری که از وقوع جرم مطلع شود» با توجه به قاعده الزامی یا قانونی بودن تعقیب متکلف به انجام تعقیب است. همچنین قانونگذار در مواد ۸۰، ۸۱ و ۸۲

قانون با الهام از قاعده مقتضی بودن یا موقعیت داشتن تعقیب «قرار بایگانی پرونده»، «قرار تعلیق تعقیب»، «دادن فرصت دو ماهه به بزهکار برای تحصیل گذشت شاکی خصوصی یا جبران خسارت او» یا «دادن فرصت سه ماهه برای میانجی گری یا صلح» را تحت شرایطی پذیرفته است.

۹- قانونگذار به طور صریح در ماده ۹۶ قانون جدید انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم را در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی، جز در موارد استثنایی ممنوع اعلام نموده است. که از این نتایج مسلم اصل برائت است درحالی که با سکوت قانونگذار در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ مشاهده می‌شد که بعضاً مقام قضائی برای دستیابی به متهم بدون رعایت هرگونه شرایط دست به انتشار تصویر او می‌زد!

۱۰- در مواد ۱۰۷ تا ۱۱۳ قانون به طور مشروح به بحث تأمین خواسته و صدور آن از جانب بازپرس پرداخته شده و همچنین قانونگذار در ماده ۱۱۴ قانون جدید به طور ضمنی دستور موقت را مورد پذیرش قرار داده است.

۱۱- قانونگذار در ارتباط با تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس به طور تفصیلی به بررسی و توضیح مباحث پرداخته است و در

مبحثی مستقل مواردی که بازپرس صلاحیت رسیدگی دارد و یا جرم، خارج از حوزه صلاحیت او است را مورد بررسی قرار داده است و ۲۳ ماده از مواد قانون جدید را به این مباحث اختصاص داده است.

۱۲- در رابطه با چگونگی تحقیقات مقدماتی و انجام اقداماتی از قبیل معاینه محلی، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی در حالی که ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ تنها ۳۳ ماده را به این مباحث اختصاص داده بود، قانونگذار در قانون جدید به خصوص در مبحث کارشناسی به تفصیل به توضیح مباحث مربوطه پرداخته است و ۴۵ ماده را به این موارد اختصاص داده است.

۱۳- در قانون جدید در امر احضار متهم تغییراتی به وجود آمده است چرا که اولاً مطابق ماده ۱۷۵ قانون مزبور استفاده از سامانه‌های رایانه ای و مخابراتی از قبیل ایمیل و تلفن و. برای طرح شکایت، ابلاغ، احضار، ارجاع پرونده و نیابت قضایی با رعایت شرایط قانونی در موارد مربوطه به دادرسی الکترونیکی بلامانع است و همچنین فاصله میان زمان ابلاغ و حضور از ۳ روز به ۵ روز افزایش یافته است.

۱۴- در قانون جدید موارد جلب بدون احضار افزایش پیدا کرده است که به موجب ماده ۱۸۰ قانون مزبور، در جرایم مستوجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو متهم بدون فرستادن احضارنامه جلب خواهد شد. همچنین در جرایم تعزیری ۶، ۷، ۸ در صورتی که اوضاع و احوال حاکی از اخفا یا فرار یا تبانی متهم باشد بازپرس می‌تواند در موارد فوق‌الذکر بدو احضاریه بفرستد یا بدون فرستادن احضاریه اقدام به جلب نماید.

۱۵- در ماده ۱۹۰ قانون جدید به حق همراه داشتن یک وکیل برای متهم در تحقیقات مقدماتی و الزام بازپرس به داشتن این حق به متهم اشاره شده است در حالی که مطابق قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ بازپرس چنین تکلیفی نسبت به متهم ندارد. همچنین در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ حضور وکیل اجباری مربوط به مرحله دادرسی دادگاه‌ها است و بنابراین اگر در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ مرحله تحقیقات مقدماتی، متهم از گرفتن وکیلی امتناع نماید برای او وکیل تسخیری گرفته نمی‌شود اما ماده ۱۹۰ قانون جدید حضور وکیل اجباری را به مرحله تحقیقات هم تسری داده است و بیان می‌کند در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است حضور وکیل در مرحله تحقیقات الزامی است و چنانچه متهم

اقدام به معرفی و کیل نماید بازپرس برای او وکیل تسخیری انتخاب می نماید.

۱۶- یکی از مهم ترین تغییرات قانون جدید در رابطه با مبحث قرارهای تأمین کیفری و قواعد حاکم بر آنهاست. قانونگذار در قانون جدید قرارهای تأمین کیفری را از پنج مورد به ده مورد افزایش داده است که پنج مورد جدید عبارتند از:

- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف
- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام
- التزام به معرفی نوبه ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی یا تعیین وجه التزام
- التزام مستخدمین رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور یا تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوطه

- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم یا تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

۱۷- از دیگر تغییرات قانون جدید در مبحث قرارهای تأمین کیفری در ارتباط با قرار بازداشت موقت است که با پیش بینی



مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ به تعارضات میان مواد ۳۲ و ۳۵ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ پایان داده است و تکلیف را روشن نموده است. مطابق ماده ۲۳۷ قانون جدید، بازداشت متهم تنها در جرایم زیر و مشروط به رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۳۸ جایز است:

- تعزیرات درجه یک، دو، سه و چهار
- جرایم مستوجب سلب حیات، قطع عضو، ثلث دیه کامل یا بیش از آن در جنایات عمدی
- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی درجه یک، دو، سه، چهار و پنج

- مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر و قدرت نمایی با چاقو و هر اسلحه دیگر

- سرقت، ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری، جعل، استفاده از سند مجعول، خیانت در امانت در صورتی که متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی در جرایم مذکور باشد.

۱۸- مطابق قانون جدید در صورت مخالفت دادستان با قرار بازداشت صادره از جانب بازپرس، دیگر نظر دادستان متنبع نیست و پرونده برای حل اختلاف به دادگاه می‌رود و همچنین به موجب قانون جدید مدت اعتبار دو ماهه و چهارماهه قرار باداشت موقت به

یک و دو ماه تقلیل یافته است. که البته این زمان قابل ابقا است، با این حال قانونگذار می‌گوید ابقای قرار بازداشت در جرایم مستوجب حبس نباید به حدی باشد که مدت بازداشت از حداقل مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر شود. اگر مجازات آن جرم سلب حیات است مدت بازداشت نباید از ۲ سال بیشتر شود و اگر مجازات آن جرم غیر از حبس سلب حیات است مثل شلاق، جزای نقدی، مدت بازداشت نباید از ۱ سال تجاوز کند.

۱۹- همانطور که می‌دانیم قرارهای تأمین کیفری مانع هستند و امکان جمع آنها با یکدیگر وجود ندارد. در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ قانونگذار یک قرار تأمینی تکمیلی به نام قرار از عدم خروج از کشور را پیش بینی نموده است که با سایر قرارهای تأمینی قابل جمع است، در ماده ۲۴۷ قانون جدید قانونگذار تعداد این قرارهای تأمین تکمیلی را به پنج مورد افزایش داده است و از آنها تحت عنوان «قرار نظارت قضائی» یاد می‌کند که عبارتند از :

- ممنوعیت خروج از کشور
- ممنوعیت از نگهداری سلاح
- ممنوعیت از اشتغال به فعالیتهای مرتبط با جرم ارتكابی
- ممنوعیت از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

- معرفی نوبه ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس

۲۰- در ماده ۲۷۰ قانون جدید به قرارهای قابل اعتراض صادره از جانب بازپرس اشاره شده است که از چند جنبه با قوانین فعلی متفاوت است: اولاً قرار اناطه دیگر از جانب دادستان قابل اعتراض نیست و تنها شاکی حق اعتراض به آن را دارد ثانیاً قرار عدم صلاحیت از جانب بازپرس از سوی متهم قابل اعتراض نمی باشد ثالثاً مهلت اعتراض به قرارهای فوق برای اشخاص مقیم ایران ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ برای اشخاص مقیم خارج از کشور ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ است و رابعاً مرجع اعتراض به قرارهای فوق دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد.

۲۱- قانونگذار در قانون جدید علاوه بر پیش بینی دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مرجع کیفری اختصاصی «نه تخصصی» در ماده ۲۹۴ در رابطه با تحقیقات مقدماتی آنان نیز بخشی مستقل را در نظر گرفته و تشکیل پرونده شخصیت را در برخی از جرایم ارتكابی آنان الزامی می‌داند.

۲۲- از دیگر تغییرات اساسی قانون جدید تقسیم بندی دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری یک و دو، اطفال و

نوجوانان و نظامی است که در واقع دادگاه کیفری دو، مرجعی عمومی است و اصولاً صلاحیت رسیدگی به همه جرائم را دارا می‌باشد مگر آنچه را که قانون استثنا کرده باشد و سایر مراجع از مراجع اختصاصی یا استثنایی هستند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به جرایم را ندارند مگر در مواردی که قانونگذار استثنا کرده باشد. لازم به توضیح است دادگاه کیفری یک را می‌توان مشابه با دادگاه کیفری استان دانست که البته در پاره ای موارد صلاحیت آن تغییر یافته است از جمله آنکه دادگاه کیفری یک به جرایم مستوجب قطع عضو، جرایم مستوجب ثلث دیه در جرایم عمدی، جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر نیز، علاوه بر مواردی مثل جرایم مستوجب حبس ابد، جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم مستوجب قصاص عضو، مجازات اعدام و سلب حیات نیز صالح به رسیدگی می‌باشد. همچنین به موجب ماده ۳۰۳ قانون جدید صلاحیت دادگاه انقلاب به عنوان مرجعی استثنایی تقلیل یافته است و دیگر صلاحیت رسیدگی به دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی، قاچاق ارز و کالا و انسان را دارا نمی‌باشد.

۲۳- یکی دیگر از نوآوریهای قانون جدید در ارتباط با تعیین دادگاه صالح اتباع خارجه است که در خارج از ایران مرتکب جرم

شده اند و دادگاههای ایران صالح به رسیدگی اند، در رابطه با این موضوع قانونگذار در ماده ۳۱۶ قانون دادگاه تهران را صالح به رسیدگی می‌داند.

۲۴- قانونگذار در قانون جدید به صراحت مبحثی را تحت عنوان «رسیدگی به ادله اثبات» ذکر کرده است و چگونگی رسیدگی به ادله اثبات کیفری که در قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲۵- قانونگذار در قانون جدید علاوه بر تصریح جهات تعقیب دادستان و جهات تحقیق بازپرس به جهات رسیدگی دادگاه در ماه ۳۳۵ اشاره می‌کند که عبارت است از :

- کیفرخواست دادستان

- قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه

- ادعای شفاهی دادستان در دادگاه

۲۶- در قانون جدید، قانونگذار در مبحث مربوط به رسیدگی دادگاهها اصول کلی دادرسی کیفری از قبیل اصل علنی بودن حق استفاده از وکیل و ... و قواعد حاکم بر آن را با تفاوت‌هایی نسبت به قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ بیان نموده است. به عنوان مثال مطابق قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ به تعداد وکلایی که هر یک از طرفین

می‌توانند در دادگاه‌ها از آنها بهره ببرند اشاره نشده است ولیکن مطابق تبصره ماده ۳۴۶ قانون جدید در غیر جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین حداکثر می‌توانند از دو وکیل در دادگاه استفاده نمایند. «در جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک حق استفاده از سه وکیل را دارند» همچنین به موجب قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ رئیس دادگاه می‌تواند دستور توقیف هر یک از اخلاص کنندگان در نظم دادگاه را برای ۱ تا ۵ روز بدهد و لیکن مطابق قانون جدید استفاده از اختیار فوق تنها در مورد اصحاب دعوا جایز است و در مورد سایر حاضرین فقط می‌توان دستور به اخراج آنها از جلسه را داد. از دیگر تفاوتها در شکل و تشریفات رسیدگی در مورد ممانعت از حضور برخی از افراد است، مطابق ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ حضور افراد کم تر از ۱۵ سال در دادگاه به عنوان تماشاچی ممنوع است که در قانون جدید به ۱۸ سال افزایش یافته است.

۲۷- در قانون جدید مهلت و اخواهی از احکام غیابی از ۱۰ روز به ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی برای اشخاص مقیم ایران و ۲ ماه برای اشخاص مقیم خارج از کشور افزایش یافته است.

۲۸- در رابطه مبحث تجدید نظرخواهی چند تغییر اساسی در قانون جدید نسبت به ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ به وجود آمده است که بطور مختصر می‌توان گفت، اولاً تنها جرایم تعزیری درجه ۸ و دیه یا ارش کمتر از یک دهم دیه کامل، قطعی و غیر قابل تجدید نظراند و بقیه احکام قابل تجدیدنظر شناخته شده‌اند و ثانیاً مهلت تجدید نظرخواهی از ۲۰ روز هر چند ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ به دیوان عالی کشور به عنوان مراجع تجدید نظر برای پاره‌ای از جرایم اشاره شده است و لیکن به ۲۰ روز برای اشخاص مقیم ایران و ۲ ماه برای اشخاص مقیم خارج از کشور در نظر گرفته شده است ثالثاً به طور صریح به واژه رسیدگی «فرجامی» اشاره نشده است اما در قانون جدید به واژه رسیدگی «فرجامی» اشاره شده است که این به معنای رسیدگی دیوان عالی کشور مقام تجدید نظر است؛ مطابق قانون جدید مرجع تجدیدنظر از آراء، علی‌الاصول دادگاه تجدیدنظر استان است و لیکن در مواردی که مرجع صدور حکم دادگاه کیفری یک است، مرجع تجدید نظر دیوان عالی کشور است. «البته لازم به توضیح است دادگاه کیفری یک صلاحیت رسیدگی به جرایم تعزیری درجه ۵ و بالاتر را دارد در حالی که احکامی که دادگاه کیفری یک در تعزیرات

درجه ۵ صادر می‌کند قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است و در تعزیرات درجه ۴ به بالا مرجع تجدیدنظر دیوان عالی کشور است»

۲۹- هرچند طبق اصول منطقی و کلی، صدور رأی وحدت رویه جدید که معارض با وحدت رویه قبلی باشد، موجب بی‌اثر شدن رأی وحدت رویه قبلی می‌گردد، لیکن ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ به این امر به طور صریح اشاره نکرده و آرای وحدت رویه را تنها به موجب قانون جدید بی‌اثر می‌داند در حالی که در قانون جدید به درستی بیان می‌دارد که رأی وحدت رویه قبلی به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر بی‌اثر خواهد شد.

۳۰- از دیگر تغییرات قانون جدید مربوط به مبحث اعاده دادرسی است چرا که اولاً تخفیف مجازات در قانون لاحق را دیگر به عنوان یکی از موارد اعاده دادرسی در نظر نگرفته است و ثانیاً دادرسی خاص یا اعمال ماده ۱۸ از طریق رئیس قوه قضائیه را حذف کرده و در ماده ۴۷۷ موارد اعمال اعاده دادرسی خاص از سوی رئیس قوه قضائیه را پیش بینی نموده است.

۳۱- از دیگر نقاط روشن قانون جدید، مبحث اجرای احکام کیفری است، در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ تنها ۲۲ ماده به این مبحث



اختصاص یافته است و لیکن در قانون مزبور ۷۴ ماده مرتبط با مبحث اجرای احکام کیفری است که با توجه به وجود دادرسیها در نظام کنونی، قانون مزبور اجرای احکام را به طور صریح بر عهده دادستان قرار داده است و وظایف قاضی اجرای احکام «دادستان» را به طور مشروح در ماده ۴۸۹ قانون جدید برشمرده است.

# قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

## بخش اول: کلیات

### فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است.

ماده ۲- دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی

که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار میگیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

ماده ۳- مراجع قضایی باید با بیطرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

ماده ۳۹- دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بی طرفی کامل را رعایت نمایند.

ماده ۴۰- دادرسان و قضات تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم به عمل آورده و در تحصیل و جمع آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ وجه نباید تاخیر نمایند.

ماده ۴- اصل، برائت است. هر گونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

ماده ۶- متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

ماده ۷- در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم میشوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

## فصل دوم:

### دعوای عمومی و دعوای خصوصی

ماده ۸- محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی؛

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین.

ماده ۲- کلیه جرائم دارای جنبه الهی است و بشرح ذیل تقسیم می‌گردد:

اول - جرائمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی .

دوم - جرائمی که تعدی به حقوق جامعه و یا محل نظم همگانی می‌باشد.

سوم - جرائمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است.

ماده ۹- ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف - دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی؛

ب - دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص.

تبصره ۲ ماده ۲ - جرمی که دارای دو جنبه باشد می تواند موجب دو ادعا شود:

الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی.

ب - ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی.

ماده ۱۰ - بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می شود.

ماده ۹ - شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می کند مدعی خصوصی و شاکی نامیده می شود. ....

بخش اول: کلیات ۳۱

رای وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲ مقرر می‌دارد: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم عنوان دعوی حقوقی دارد و مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد.

ماده ۱۱- تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

ماده ۳ - تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضایی می‌باشد و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می‌گردد.

ماده ۱۲- تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

تبصره- تعیین جرایم قابل گذشت به موجب قانون است.

ماده ۴ - جرائم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته

بشرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱-.....

۲-.....

۳- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت

وی تعقیب موقوف خواهد شد. ....

ماده ۱۳- تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و

همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف- فوت متهم یا محکوم علیه؛

ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت؛

پ- شمول عفو؛

ت- نسخ مجازات قانونی؛

ث- شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون؛

ج- توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون؛

چ- اعتبار امر مختوم.

تبصره ۱- درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل

می‌گردد.

تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی

مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف

می‌شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در

حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این



صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی و کیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

ماده ۶ - تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:  
اول - فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات‌های شخصی.  
دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت.

سوم - مشمولان عفو.

چهارم - نسخ مجازات عمومی.

پنجم - اعتبار امر مختومه.

ششم - مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده.

تبصره - هرگاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد.

رای وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹ مقرر می‌دارد: در جرائم قابل گذشت تا زمانی که گذشت شاکی احراز نشود، دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.

ماده ۱۴- شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ۱- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲- منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند. همچنین مقررات مربوط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که دیه پرداخت می‌گردد، نمی‌شود. ماده ۹ - ..... ضرر و زیان قابل مطالبه بشرح ذیل می‌باشد:

۱ - ضرر و زیانهای مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.

۲ - منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود.

ماده ۱۵- پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۱۱ - پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی یاشاکی می‌تواند اصل یا رونوشت تمامی دلایل و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز می‌تواند قبل از اعلام ختم دادرسی تسلیم دادگاه نماید. مطالبه ضرر و زیان مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

ماده ۱۶- هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتداء در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

ماده ۱۷- دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می‌نماید.

بخش اول: کلیات ۳۷

---

ماده ۱۲- هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزایی را صادر، پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

رای وحدت رویه شماره ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۰ مقرر می‌دارد: صدور حکم قلع و قمع بنای غیرمجاز، به عنوان تکلیف قانونی، وظیفه دادگاه صادرکننده حکم کیفری بوده و نیازی به تقدیم دادخواست از سوی شاکی نیست.

رای وحدت رویه شماره ۶۴۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۵ مقرر می‌دارد: در صورتی که دعوای جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت شود دادگاه کیفری مکلف است به دعوای ضرر و زیان رسیدگی کرده و رای صادر کند.

ماده ۱۸- هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم الاتباع است.

ماده ۱۹- دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می‌کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم‌علیه، حدود مسؤولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

تبصره- در صورتیکه حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.

ماده ۲۰- سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتیکه دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.

ماده ۱۰- در امور مالی هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، متهم فوت کند ادعای خصوصی به قوت خود باقی است. اسقاط حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی‌شود.

ماده ۲۱- هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذینفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده بهصورت موقت بایگانی می‌شود. در اینصورت، هرگاه ذینفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

تبصره ۱- در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می‌شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف طبق ماده (۲۷۱) این قانون به عمل می‌آید.

تبصره ۲- اموال منقول از شمول این ماده مستثنی هستند.  
تبصره ۳- مدتی که پرونده بهصورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۳ - هرگاه ضمن رسیدگی مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است و یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم رعایت تشریفات دیگر آیین دادرسی می باشد قرار اناطه صادر و به طرفین ابلاغ می شود ، ذی نفع مکلف است ظرف یک ماه موضوع را در دادگاه صالح پیگیری و گواهی آنرا به دادگاه رسیدگی کننده ارائه و یا دادخواست لازم به همان دادگاه تقدیم نماید. در غیر اینصورت دادگاه به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

رای وحدت رویه شماره ۵۲۹ مورخ ۱۳۶۸/۸/۲ مقرر می دارد:  
قرار اناطه ناظر به اختلاف در حق مالکیت اموال غیر منقول است و در اموال منقول صدق نمی کند.

رای وحدت رویه شماره ۶۴۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ مقرر می دارد:  
قرار اناطه جزء قرارهای قابل اعتراض می باشد.